

کیفر شناسی با تأکید بر کیفر زندان در نظام حقوق کیفری اسلام

سیدمحمد موسوی*

چکیده

با توجه به روند منطقی بحث، اهمیت کیفرشناسی، موضوع و قلمرو آن بررسی گردیده است. اهمیت کیفرشناسی در این است که در پرتو مطالعات کیفری؛ هم در قلمرو کیفر شناسی نظری و هم در قلمرو کیفرشناسی کار بردی، می‌توانیم کیفرهای موثرتر، کار آمدتر، مناسب‌تر و کیفری که متناسب با شأن و منزلت انسانی باشد را بشناسیم؛ زیرا کیفرشناسی در گذشته محدودتر بود و عنوان دیگری داشت که به نام علم اداره زندان‌ها نامیده می‌شد. پس از شکست اقتدار کیفر حبس و توسعه کیفرهای جایگزین، و به دنبال ظهور جنبش‌های سیاست کیفری مبنی بر متنوع کردن مجازات‌ها و استفاده از جایگزین‌های حبس اصطلاح کیفرشناسی، به‌جای علم اداره زندان‌ها، مطرح گردید. در ادامه پاسخ‌های کیفری از دیدگاه مکاتب کیفری و دیدگاه اسلام بررسی گردیده است. زندان در تمام نظام‌های حقوق کیفری یکی از پاسخ‌ها و واکنش علیه بزهکار است. مشروعیت و جواز زندان در اسلام با استفاده از آیات قرآن، سیره پیامبر(ص) و جانشینان آن حضرت ثابت می‌گردد. تاریخ تأسیس زندان در زمان امیر المومنین(ع) بوده است و اهداف زندان در اسلام برای تنبیه و تربیت بزهکاران است که در این مقاله بررسی گردیده است.

واژگان کلیدی: کیفرشناسی، زندان، نظام حقوقی، علم اداره زندان، حقوق کیفری، اسلام.

* سطح چهار حوزه، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی.

E-mail: Mousavisayedmohammad@yahoo.com

مقدمه

کیفرشناسی شناخت پاسخ به بزهکار و بزهکاری است که برخورد با مجرمان و مجازات افرادی که موجب سلب آسایش افراد یک جامعه می‌شوند از گذشته تا به امروز رواج داشته است، اما در این میان چگونگی برخورد با این افراد و نحوه اجرای مجازات‌ها تحولات چشم‌گیری یافته است. در اروپای قبل از رنسانس هرچند کلیسا افراد را از اجرای عدالت خصوصی و انتقام از مجرمان برحذر می‌داشتند، اما بر این عقیده بودند که جامعه می‌تواند در مقام دفاع از خود انواع مجازات‌ها را بر مجرمان تحمیل کند. به همین دلیل مجرمان را به سخت‌ترین وجه مجازات می‌کردند و بدن شقه شده، مثله شده و داغ خورده آنان را به‌طور نمادین در معرض دید عموم قرار می‌دادند.

ظلم بی‌حد و حصری که در این دوره بر انسان و انسانیت می‌شد، عده‌ای از فلاسفه و حقوق‌دانان را بر آن داشت تا به بررسی و نقد نهادهای حقوقی آن زمان بپردازند و زمینه را برای رعایت هرچه بیش‌تر حقوق و آزادی‌های فردی اجتماعی فراهم آورند، با ترویج و انتشار افکار این دانشمندان، از اوایل قرن ۱۹ «زندان» به‌عنوان مجازات اصلی پذیرفته شد. اما از آنجایی که زندان نیز اشکالات متعددی، مانند این‌که زندان، منشاء بروز جرایم، آسیب رسیدن به جسم و روان زندانیان، ایجاد مشکلات اجتماعی و خانوادگی، تحمیل هزینه‌های سنگین بر دولت‌ها، را در پی داشت، موافقان مجازات زندان را دچار تردید و در نهایت آنان را به واکنش واداشت. بر این اساس جریان‌هایی با عنوان اصلاح زندان‌ها در کشورهای متمدن به راه افتاد و موجب پیدایش علم جدیدی در قلمرو حقوق جزا شد که در آن هنگام به‌عنوان «علم اداره زندان‌ها» پذیرفته شد و مورد توجه مسئولان امور زندان‌ها قرار گرفت. تا مدت مدیدی «علم اداره زندان‌ها» یگانه میدان‌دار عرصه مطالعه کیفرها بود، اما پس از شکست اقتدار کیفر حبس و توسعه کیفرهای جایگزین و به دنبال ظهور جنبش‌های سیاست کیفری مبنی بر متنوع کردن مجازات‌ها و استفاده از جایگزین‌های حبس اصطلاح کیفرشناسی، به‌جای علم اداره زندان‌ها مطرح گردید تا

علاوه بر انطباق بهتر عنوان با موضوع و محتوا، انواع ضمانت اجرای کیفری و اهمیت ارزیابی آن‌ها و مباحث مختلف پیرامون نهادهای اجرایی کیفر را به‌طور منطقی تحت پوشش قرار دهد.

الف. مفهوم کیفر شناسی

۱. مفهوم لغوی

کیفر یا مجازات واکنش جامعه نسبت به جرم است که دارای خصیصه رنج‌آوری، رسوا کنندگی، حتمیت، قطعیت و اجباری بودن است که توسط دولت اعمال و اجرا می‌گردد. «مفهوم لغوی کیفر، به‌معنای پاداش است که می‌تواند هم خیر و پسندیده باشد و هم شر و نکوهیده و از نظر علم حقوق کیفر یا مجازات به تحمل عمل رنج آور بر شخص دیگری گفته می‌شود که پیامد عمل آن شخص باشد. این واژه بیش‌تر به تنبیهات و جریمه‌های گفته می‌شود که مقامات قضایی برای افرادی در نظر می‌گیرند که مقررات مهم جامعه را پایمال کرده و مرتکب جرم شده‌اند. (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

۲. مفهوم اصطلاحی

در اصطلاح حقوقی «کیفرشناسی عبارت است از: مطالعه مجازات سالب حقوق، آزادی، اعدام و اقدامات تربیتی. به این ترتیب، علم اداره زندان‌ها در دل کیفرشناسی قرار می‌گیرد. پس کیفرشناسی به‌طور کلی به مطالعه مجازات‌ها می‌پردازد و علم اداره زندان‌ها به‌طور خاص با جرم‌شناسی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارند. (<https://fa.wikipedia.org>)

چنان‌که در مقدمه اشاره گردید کیفرشناسی یا علم اجرای مجازات‌ها در گذشته محدودتر بود و عنوان دیگری داشت که به نام «علم اداره زندان‌ها» نامیده می‌شد. کیفر شناسی در نتیجه گرایش به توسعه پاسخ‌های کیفری و فراتر رفتن از حبس به‌عنوان پاسخ غالب به جرم، مورد توجه قرار گرفت.» (غلامی، ۱۳۹۹: ۱۹) به‌عبارت دیگر، کیفر شناسی عبارت است از: علم اجرای مجازات‌ها که به زبان ساده‌تر می‌توان آن را کیفر شناسی و یا شناخت طبیعت کیفرها نامید.

ب. اهمیت کیفر شناسی

کیفرشناسی از این جهت دارای اهمیت است که در پرتو مطالعات کیفری، می‌توانیم به کیفرهای موثرتر، کارآمدتر، مناسب‌تر و کیفرهای را که متناسب با شأن و منزلت انسانی باشند بشناسیم و نیز به ما کمک می‌کند تا مجازات‌ها و پیامدهای آن را بر جامعه مورد ارزیابی قرار دهیم و هم‌چنین مجازات و کیفری را ارزیابی کنیم که در پیش‌گیری از تکرار جرم موثر واقع می‌شود و این‌که آیا چه مجازاتی برای چه جرمی مناسب‌تر است؟ و در چه فرایندی مورد حکم قرار داده می‌شود؟ که پاسخ به این گونه پرسش‌ها با استناد به قوانین و مقررات جزایی و گاه رویه قضایی صورت می‌گیرد. به همین دلیل کیفرشناسی نسبت به سایر رشته‌های علوم جنایی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا کیفر و مجازات دارای پیامدهای انسانی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی مختلفی است که انواع مجازات‌ها را از نظر حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در راستا و اهمیت کیفرشناسی، یکی از استادان حقوق، دلایل و جهات اهمیت مطالعات کیفر شناختی را چنین تبیین کرده‌اند:

۱. رویکرد علمی و مبتنی بر ارزیابی و سنجش مجازات‌ها و پاسخ‌های کیفری به‌جای رویکرد محض و هنجارمند حقوقی- قانونی.
۲. نقد و ارزیابی مبانی انواع پاسخ‌ها به جرم و سنجش کارایی یا ناکارایی آن‌ها.
۳. رویکرد بین رشته‌ای به پاسخ‌های کیفری از جمله مجازات‌ها در مقابل رویکرد محض سیاسی و گاه ایدئولوژیک.
۴. ایجاد زمینه تحول و پویایی در پاسخ به جرم و مجرمان.
۵. امکان آشنایی با تجارب، موفقیت‌ها و شکست‌های سایر نظام‌های عدالت کیفری در پاسخ به جرایم و مجرمان.
۶. آشنایی با استانداردها و هنجارهای ملی و بین‌المللی لازم‌الرعايه در تنظیم و تعیین پاسخ دهی به جرایم و مجرمان.
۷. کاهش هزینه‌های عدالت کیفری، نظام حقوقی، اجتماعی و سیاسی از طریق اتخاذ سیاست کیفری هدفمند، نظام یافته و مبتنی بر استانداردها و موازین لازم‌الرعايه (غلامی، پیشین، ۵۳-۵۴)

ج. موضوع و قلمرو کیفر شناسی

۱. موضوع کیفر شناسی

کیفرشناسی، یا علم اجرای احکام کیفری، که در حقوق کیفری نوین جانشین اصطلاح علم اداره زندان‌ها شده و موضوع آن عبارت است از چگونگی اجرای مجازات پس از صدور حکم (یعنی مباحثی چون نگهداری زندانیان در محیط نیمه باز و باز، اعطای آزادی مشروط به آنان، پیش بینی اقدامات تأمینی و تربیتی و چگونگی انطباق آن‌ها با شخصیت هریک از بزهکاران) تا اهداف مجازات (اصلاح و تربیت مجرمان) محقق گردد. «کیفرشناسی از یک طرف متکفل تبیین و توجیه کیفر و پاسخ به بزهکار و بزهکاری است و از سوی دیگر گونه‌ها و چگونگی اجرای انواع پاسخ‌ها از جمله مجازات‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان قلمرو کیفر شناسی را به دو دسته نظری و کار بردی تقسیم کرد.» (همان، ۴۷).

۲. قلمرو نظری کیفر شناسی

قلمرو نظری کیفرشناسی در تبیین و توجیه کیفرها و پاسخ‌ها، به جرم از جمله مهم‌ترین مباحث کیفرشناختی است. پرسش اصلی در این خصوص آن است که چرا مجازات می‌کنیم یا به جرایم پاسخ می‌دهیم؟ حق بر مجازات کردن چگونه قابل توجیه است؟ آیا به جای آن می‌توان از تکلیف حق بر مجازات نکردن سخن گفت؟ چه کسی یا چه نهادی حق بر مجازات یا تحمیل سایر پاسخ‌ها به جرایم و مجرمان را دارد؟ نظریه‌های توجیه کننده مجازات یا تبیین کننده انواع پاسخ‌ها، جهت پاسخ به چنین پاسخ‌هایی ارائه شده‌اند. مجازات‌ها نیز همانند جرایم، توأم با تعدی، رنج‌آور و تحقیر کننده‌اند. سایر پاسخ‌های کیفری اگرچه ممکن است کم و بیش دارای چنین ویژگی‌های نیز باشند، اما حداقل دارای ویژگی تحمیلی یا توأم با زور و اجبار نیستند. بدین ترتیب، از آن‌جا که هر پاسخ به جرم و مجرم لزوماً مناسب، عادلانه و موثر نیست و نیز با توجه به این‌که هر پاسخ رسمی / دولتی به جرم نیز ضرورتاً قابل تأیید و دفاع نخواهد بود، تبیین و توجیه مجازات‌ها و پاسخ‌های کیفری امری گریز ناپذیر است. (همان، ۴۸)

واکنش علیه جرم و مجرم در هر عصر و زمانی جنبه‌های قانونی خاص به خود می‌گیرد؛ زیرا هردولتی سیاست جنایی خاص خود را تعقیب می‌کند. این سیاست مبارزه سازمان یافته علیه بزهکاری با اهداف مشخص و شیوه‌های متعدد، مانند هر برنامه‌ای دیگر نیازمند ساماندهی روابط اجتماعی است. «جامعه برای تنظیم روابط اجتماعی میان مردم و حفظ اساسی‌ترین ارزش‌های حاکم بر روابط آن‌ها ناچار است علیه بزهکاری و هنجارشکنی از خود واکنش نشان دهد، ولی این واکنش نباید همانند واکنش فرد زیان‌دیده و یا خویشاوندان او خشن و کورکورانه باشد و نوعی انتقام جویی تلقی شود. واکنش جامعه باید به شکل سامان یافته و با توجه به اهداف خاصی ابراز شود. این اندازه که بزهکار با رفتار خود از مرزهای قانون فراتر رفت و به نقض قواعد مقبول جامعه مبادرت کرد، عنصر قانونی در رفتار او انعکاس می‌یابد و واکنش علیه رفتار جنایی نیز باید در همین بستر قانونی گسترش یابد و گرنه جامعه با هرج و مرج و از هم گسیختگی رو به‌رو خواهد شد.» (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۴۵)

گرچه در گذشته مجازات بیش‌تر به‌منظور تحمیل مشقت بر مجرم صورت می‌گرفت، مجازات‌ها نوعاً خشن و یک‌نواخت بودند و زندان سیاه‌چالی بود که مجرم به‌منظور تحمل عذاب یا برای تحقیق و تفحص از او، در آن به سر می‌برد؛ از این‌رو، علمی کردن اجرای مجازات یا اداره زندان اصولاً مطرح نبود. اما در حال حاضر با تحولاتی که در مکاتب کیفری رخ داده است، اجرای مجازات بیش‌تر به‌منظور اصلاح و تربیت مجرم است. از این‌رو، برای دستیابی به این هدف، به‌جای مجازات خشن، از مجازات‌های سالب آزادی یا جانشین‌های مجازات؛ از جمله اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده می‌شود. «افزون بر این‌که مجازات‌های مرگ‌بار و غیرانسانی در اروپا در زمان‌های گذشته، موجب نارضایتی عمومی و طغیان مردم کشورهای اروپا گردید، به گونه‌ای که تا پیش از سال ۱۷۸۰ در انگلستان تعداد جرایمی که مجازات آن اعدام بود به ۳۵۰ جرم بالغ می‌شد. این تعداد در سال ۱۸۳۹ به هفده مورد کاهش یافت. هم‌چنین تا قبل از انقلاب کبیر فرانسه تعداد جرایم مستحق اعدام به ۱۱۵ مورد بالغ می‌شد که پس از انقلاب به ۳۲ مورد کاهش

یافت این در حالی است که جرایم مستوجب اعدام در مکتب اسلام، در چهارده قرن پیش از این، از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد.» (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۸۵)

نظام کیفری کشورهای اوپایی در قرون وسطا^۱ (مارتینز، [بی‌تا]: ۲۷) به سوی سیستم عرفی‌گرایی روی آورده بود و مواد قانون جزا به‌طور پراکنده از میان فرهنگ‌ها و عرف‌های گوناگون به دست می‌آمد. به‌طور کلی، منابع حقوق کیفری در دوران گذشته، عرفی بود و در کنار آن از آموزه‌های مذهبی، قانون و رویه قضایی به‌عنوان منابع اصلی حقوق یاد می‌شد. (همان) جرایمی که برای آنان، مجازات اعدام، را در پی داشت به سه دسته تقسیم می‌شد: «تجاوز به امنیت عمومی، تجاوز به اشخاص و اموال» جرایمی بود که مجازات اعدام را در پی داشت. البته تجاوز به مذهب، اخلاق عمومی و قدرت سیاسی؛ زیرا مجموعه تجاوز به امنیت عمومی به حساب می‌آمد که تجاوز به هریک از موارد سه‌گانه مجازات اعدام را در پی داشت و در بر خی موارد با شکنجه اجرا می‌شد. در بیش‌تر کشورها، سوء‌قصد به مقام سیاسی یا نظام سیاسی، بیش‌ترین آمار جنایی را در بر می‌گرفت.

یکی از جرایمی که مجازات مرگ را در پی داشت «جادوگری» بود که با تلقی کردن جادوگری و غیب‌گویی به‌عنوان رفتاری علیه مذهب و مقدسات، مرتکبان آن را به مجازات‌های مانند سوزاندن در آتش، محکوم می‌کردند. تنها در انگلستان، تا دوهزار جادوگر به جوخه‌های اعدام سپرده شدند و نیز خودکشی را جرم علیه حکم الهی می‌دانستند و جزو جرایم بزرگ شمرده می‌شد. در فرانسه، شخصی را که اقدام به خودکشی می‌کرد، اگر پیش از موفقیت، دست‌گیر می‌شد، مجازاتش سپردن به جوبه‌دار بود. در انگلستان مجازات خودکشی، یکی از این دو مورد بود؛ یا در چها راه بزرگی قرار می‌داند یا این‌که میخ‌های بزرگ چوبی در بدن وی می‌کوبیدند. (همان، ۳۶-۳۸ و ۴۲)

^۱ قرون وسطا تقریباً دوره هزار ساله‌ای است که قسمت اعظم از تاریخ اروپا به حساب می‌آید. تاریخ نویسان قرون وسطا را از سال ۴۷۶م، تا سال ۱۴۵۳م، دانسته‌اند. دوران پیش از آن را دوره باستان و دوران پس از سال ۱۴۵۳ را دوران قرون جدید می‌دانند.

جرایم علیه اشخاص، از جرایمی بود که مجازات آن اعدام بود و از نظر مجازات و سزادهی بعد از جرایم علیه امنیت، در جایگاه دوم قرار داشت و مهم‌ترین آن قتل بود که کیفر قاتل اعدام بود. یکی از حربه‌هایی که دست قاضی را در اعمال مجازات‌های سنگین باز می‌گذاشت، مفاهیم و اصطلاحات مبهم جزایی بود، به‌عنوان نمونه، واژه «جنایت» در انگلستان اصطلاح مبهم بود و جرایمی را در بر می‌گرفت که مجازات آن‌ها از اعدام با چوبه دار تا مصادره اموال بود. بنابراین، با استفاده از تفسیر موسع این کلمه جنایت شامل قتل عمد، غیرعمد و خودکشی می‌شد.

از جرایمی که مجازات آن اعدام بود برخی جرایم علیه اموال بود مانند کیفر راهزنان و دزدان احشام که مجازات اعدام علیه مرتکبان آن‌ها اجرا می‌گردید. در اسپانیا، مجازات دزدی گوسفند یا پول نقد، اعدام بود. (همان، ۴۴) بنابراین، قبل از قرن هفدهم در کشورهای اروپایی جرم‌انگاری حداکثری مجازات‌های وحشت‌ناک و اعدام وجود داشته است که در برخی موارد کاملاً ضد انسانی بوده‌است مانند دزدی گوسفند، پول نقد و قتل‌های غیرعمد، که از نظر حقوقی غیرمنطقی است؛ چرا که انسانی، در مقابل دزدی گوسفند و مشابه آن محکوم به اعدام شود.

در برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه براساس فرمان حاکم تعیین مجازات می‌شد. حاکم وقت فرانسه براساس فرمان سال ۱۶۷۰م، مجازات را طبقه‌بندی کرده بود: «اعدام، زندان با اعمال شاقه، بازجویی همراه با شکنجه برای دستیابی به دلیل، تبعید و اعتراف به جرم در انظار عمومی». موارد یاد شده بخش از مجازات‌های بود که توسط حاکم تعیین می‌شد. کیفر مرگ، شامل تمام انواع مرگ می‌شد برخی را به دار می‌زدند، برخی را دست و پایش را بریده به دار می‌آویختن، برخی دیگر را در جرایم سنگین‌تر زنده آتش می‌زدند و برخی دیگر، سرش را یا شکسته یا سر از بدنش جدا می‌کردند. (فوکو، ۱۳۸۴: ۴۴) در برخی از کشورهای اروپایی برای جرایمی مالی نیز مجازات‌های سخت و سنگین به اجرا گذاشته می‌شد که حتی بزهکار برای ارتکاب جرم بریدن نهال و سرقت زیادتر از یک شلینگ به مجازات مرگ محکوم می‌گردید. (دورانت، ۱۳۷۰: ۷، ۷۷) به

دلیل وجود کیفرهای خشن و غیرانسانی در کشورهای غربی و در اثر نارضایتی‌ها و اعتراضات دانشمندان و فیلسوفان مجازات‌های را پیشنهاد کردند که بتواند بر بسیاری از جرایم مطابق باشد که از جمله آن‌ها مجازات حبس است.

۳. قلمرو کاربردی کیفرشناسی

قلمرو کاربردی، کیفرشناسی در جستجوی موثرترین و مناسب‌ترین پاسخ‌ها است. که به مطالعه چگونگی اجرای مجازات با توجه به هدف‌های آن می‌پردازد. بدین جهت کیفرشناسی را از این نظر «علم» می‌گویند که بر پایه مجموعه از معلومات و روش‌های به کارگیری این معلومات استوار است.

بدون تردید تشخیص و تعیین «مناسب‌ترین» پاسخ و از جمله مجازات تحت تأثیر مبانی نظری، متفاوت است، لکن تعیین «موثرترین» پاسخ به نحوی که حسب مورد موجبات بازدارندگی از ارتکاب جرم یا اصلاح بزه‌کاران را در پی داشته باشد، امری است که نیازمند پژوهش‌های میدانی با توسل به روش‌های عینی و آماری است. از این جهت «کیفرشناسی، صرف نظر از جنبه و قلمرو نظری- فلسفی آن، به مطالعه عینی و تجربی پاسخ‌های کیفری و آثار و نتایج آن نیز می‌پردازد.» (غلامی، پیشین، ۴۸)

در گذشته هدف مجازات‌ها تحمیل رنج و مشقت بر بزه‌کاران بود. امروزه هدف مجازات‌ها تربیت و بازسازی و در نهایت باز اجتماعی کردن آن‌ها است. برای نیل به هدف اولاً؛ اجرای کیفر همیشه به یک شیوه مطلوب نیست. به همین دلیل در کیفرشناسی روش‌ها و شیوه‌های گوناگونی به کار می‌رود تا وصول به این منظور را تأمین کند. برای مثال، در اجرای مجازات زندان، نگهداری زندانیان در محیط نیمه باز و باز مقدمه بازگشت تدریجی آن‌ها به اجتماع است و با اعطای آزادی مشروط (ماده ۵۸ ق.م.ا) طریق دیگری برای میزان سنجش سازگاری بزه‌کاران با محیط اجتماعی است. هم‌چنین مقررات نیمه آزادی (ماده ۵۶ ق.م.ا) فرصت مشابه دیگری برای زندانیان فراهم می‌کند تا مقامات زندان رفتار این گروه را بیرون از زندان محک بزند و نسبت به سازگاری آنان اطمینان حاصل کنند. ثانیاً؛ اجرای کیفر همیشه به تنهایی ممکن نیست این منظور را

برآورده کند. از این‌رو، در کنار مجازات‌ها تدابیر دیگری پیش بینی شده است که به اقدامات تأمینی و تربیتی مشهور است این اقدامات برای مقابله با حالت خطرناک بعضی از بزهکاران اتخاذ می‌شود و در این جا است که ارتباط و پیوستگی نزدیک کیفرشناسی و جرم‌شناسی آشکار می‌شود. همان‌گونه که در جرم‌شناسی غرض از شناخت علل و زمینه پیدایی جرم تنظیم دستور کار رویارویی با این پدیده‌است در حوزه مطالعات کیفرشناسی از چگونگی تطبیق آن‌ها با شخصیت هریک از بزهکاران گفتگو می‌شود. بنابراین، اگر جرم‌شناسی را به علم شناخت بیماری‌ها در پزشکی تشبیه کنیم، کیفرشناسی علمی در حد درمان‌شناسی خواهد بود. (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۷۰)

ح. کیفر و پاسخ‌های کیفری

کیفر و پاسخ‌های کیفری، ماهیت و چیستی آن‌ها از جمله موضوعات کیفرشناسی است. کیفر و پاسخ‌های کیفری، تعیین‌کننده ذات و ماهیت جرم است در نتیجه تنها عملی مستحق وصف جرم است که مستحق کیفر یا پاسخ‌های کیفری باشد. حق بر باز پروری بزهکاران منوط به تشخیص ابتدایی و اولیه مجرمانه بودن عمل ارتكابی آنان به واسطه تعلق کیفر یا پاسخ‌های کیفری به آن است. به اضافه‌ای آن‌که آثار متعدد دیگری بر مفاهیم کیفر و پاسخ‌های کیفری در فرایندهای اجرای عدالت کیفری بار می‌شود. (غلامی، پیشین، ۳۵)

۱. کیفر یا مجازات

کیفر یا مجازات شایع‌ترین پاسخ به جرم است. لکن علیرغم وضوح و شیوع مفهوم کیفر و گونه‌های آن، تعریف و تشخیص آن از سایر انواع پاسخ به جرم ضروری است. از طرف دیگر کیفر دهی و تعیین مجازات مهم‌ترین و صریح‌ترین گونه ابراز و اعمال قدرت نسبت به افراد و اشخاص تحت حکومت نیز است. در نظام اجتماعی گونه‌های مختلفی از اعمال و ابراز قدرت وجود دارد. در خانواده، مدرسه، ورزش‌گاه و...، انواعی از ابراز قدرت و تحمیل آن توسط والدین، مدیریت مدرسه، شهرداری، پلیس و... را می‌توان مشاهده نمود لکن هیچ‌کدام از آن‌ها ممکن است به معنای کیفر یا مجازات نباشد به علاوه نسبت به جرایم و مجرمان نیز انواعی از پاسخ‌ها وجود دارد.

برخی پاسخ‌ها صرفاً جنبه الزام به مهارت آموزی، مشاوره، رنج، کاستی و نقصان، سلب و محدودیت نسبت به جان یا مال یا آزادی و...، یک شخص می‌شوند. به اضافه این‌که هرگونه تحمیل درد و رنج، کاستی و محدودیت، نقصان و محرومیت نسبت به هر شخص، کیفر تلقی نمی‌شود؛ زیرا عمل پزشک نسبت به بیمار در جراحی، اقدام بانک نسبت به افتتاح کننده حساب بانکی در اخذ مقدار پول و اعمال محدودیت پلیس راهنمایی و رانندگی در پارک اتومبیل توسط شهروندان تنها در اماکن مجاز، هر کدام جنبه‌ی از واکنش تلقی می‌شوند، لکن ضرورتاً مجازات نیستند. اما کیفر یا مجازات نسبت به بزهکاران یا مجرمان اعمال می‌شود و...، بزهکاران مشمول کیفر یا مجازات نخواهند بود.

بنا به دلایل فوق برخی در تعریف مجازات گفته‌اند: «مجازات به طور کلی، عبارت از ایجاد ضرر و درد و رنج عمدی نسبت به کسی است که مرتکب اقدام غیرقانونی شده‌است. مجازات از طرف دیگر متضمن این نکته نیز است که شخص دیگر دارای حق اعمال قدرت مشروع جهت ایجاد چنین درد و رنجی نسبت به دیگری است.» (همان، ۳۷)

با توجه به ویژگی‌های کیفر، می‌توان کیفر و مجازات واکنش جامعه نسبت به جرم است که واجد شرایطی چون رنج‌آوری، رسوا کنندگی، تحمیلی، حتمیت، قطعیت و اجباری است که از طرف حاکمیت یعنی دولت اعمال می‌شود. اجبار و تحمیل کیفر به دلیل نقض قانون و رفتارهای مجرمانه بر مجرم است و به هر اندازه‌ای که احترام جامعه نسبت به قواعد حیات اجتماعی، بیش‌تر باشد، واکنش راجع به نقض چنین قواعدی، سخت‌تر و شدیدتر خواهد بود؛ زیرا که «جرم عملی ناقض ارزش‌های جامعه است که از مرز تحمل پذیری جامعه می‌گذرد و از سوی حکومت مجازات می‌شود.» (قیاسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹/۲) که با اجرای مجازات «آثار عبرت‌انگیزی آن در تعدیل تمایلات بزهکارانه افراد موثر افتد و هم‌چنین کسانی که می‌کوشند راه بزهکاری را انتخاب کنند از راه خود باز ایستند.» (اردبیلی، پیشین، ۱، ۴۹)

۲. پاسخ‌های کیفری

کیفر شایع‌ترین نوع پاسخ به جرم است، که جامعه برای حفظ اساسی‌ترین ارزش‌های حاکم بر روابط اجتماعی، ناچار است علیه بزهکاری و هنجارشکنی از خود واکنش نشان دهد و قدرت عمومی هنگامی می‌تواند به مبارزه قاطع علیه بزهکاری مبادرت کند که پیش از آن حدود بزهکاری را تعیین کرده باشد. آنگاه وظیفه دارد با انتخاب شیوه‌های متناسب، مجرمان و هنجارشکنان را به کیفر برساند و کیفر وضع شده در قانون متناسب با نوع جرم بوده و قاضی در هنگام صدور حکم، کیفر متناسب با جرم و شرایط مجرم را تعیین کند و در نهایت و در مرحله اجرا با اتخاذ تدابیر خاص، کیفر به صورت صحیح و کارشناسانه اجرا گردد.

یکی از مشکلات مهم مکاتب کیفری افراط و تفریط آن‌ها در توجه به جرم و مجرم است. از گذشته‌های دور تا ظهور مکتب کلاسیک و حتی نئوکلاسیک، حقوق جزا، دغدغه اصلی اندیشمندان، مبارزه با جرم و تعیین کیفر متناسب با سنگینی جرم بوده است. ماهیت جرم ارتكابی و میزان خسارت آن برای جامعه مرکز ثقل حقوق کیفری محسوب می‌شده است. این ویژگی ناشی از توجه به زندگی اجتماعی و جامعه و بر خورد با عوامل ضد اجتماعی است. (قیاسی و دیگران، پیشین: ۱۲۱)

در گذشته تصور بر این بود که تنها راه مبارزه با جرم، کیفر و مجازات بزهکاران است و هیچ جانشین برای آن وجود ندارد و انسان تنها بر اثر ارعاب و سختی مجازات است که بر انگیزه‌های مجرمانه خود فایق می‌آیند و از ارتكاب جرم پرهیز می‌کند. این دیدگاه موجب به کارگیری افراط‌آمیز کیفر و تشدید آن متناسب با سنگینی جرم گردید، اما با تحولی که در حقوق کیفری رخ داده است برای پاسخ به جرم، تنها کیفر دادن مجرم نیست. بلکه پاسخ‌های غیرکیفری مورد توجه اندیشمندان حقوق کیفری قرار گرفته است که علاوه بر مجازات، می‌توان از سایر انواع پاسخ به جرم نیز یاد کرد که ضرورتاً دارای ویژگی‌های مجازات و کیفر نیستند.

پاسخ‌های کیفری در معنای عام هم شامل مجازات‌ها و هم شامل سایر انواع پاسخ‌ها به جرم، می‌شوند. در واقع وجه مشترک کیفر و سایر انواع پاسخ به جرم،

این است که هر دو در مقام واکنش نسبت به جرایم و مجرمان مورد استفاده قرار می‌گیرند. لکن صرف نظر از این وجه اشتراک، تفاوت‌های عمده‌ای میان پاسخ‌های کیفری و مجازات‌ها (کیفرها) وجود دارد. در معنای خاص، منظور از پاسخ‌های کیفری، پاسخ‌های است که بدون ماهیت رنج‌آور، محروم‌کننده و صدمه‌زننده نسبت به جرایم و مجرمان ارایه می‌شوند. کیفر یا مجازات توسط نهاد قضایی مورد حکم قرار گرفته و عمدتاً توسط نهادهای وابسته به عدالت کیفری همانند زندان، اجرای احکام، پلیس و غیره به اجرا گذارده می‌شود. (غلامی، پیشین: ۴۳)

۳. پاسخ‌های کیفری از دیدگاه اسلام

پاسخ به جرم واکنش پسینی نسبت به ارتکاب جرم است که علیه شخص مجرم از سوی حاکمیت عمومی اعمال می‌شود. چنان‌که بیان گردید واکنش علیه جرم، با سیر و تحول تاریخی که داشته انواع مختلفی از پاسخ‌ها را شامل می‌شود و در نظام‌های کیفری مختلف پاسخ‌های گوناگونی داده شده‌است. از میان نظام‌های کیفری، نگاهی به نظام کیفری اسلام داشته و دیدگاه اسلام را در پاسخ به جرایم، به صورت اختصار مطالعه می‌کنیم.

در اسلام عملی جرم است که به ارزش‌های واقعی انسان، تعدی و تجاوز شده باشد؛ ارزش‌های انسانی مانند ارزش دین، عقل، ناموس، جان و مال، از مهم‌ترین و ارزشمندترین اموری است که با حیات مادی و معنوی بشر ارتباط مستقیم دارند. پاسداری و حمایت از آن‌ها از نیازهای اولیه و ضروریات بدیهی بشر است. فقه جزایی اسلام، برای تحقق اهداف مادی و معنوی بشر، تجاوز به هریک از این امور را جرم دانسته و برای آن‌ها مجازات متناسب به‌عنوان مجازات‌های حدی و تعزیری تعیین کرده است. از سوی دیگر شخصی که ارزش‌های دینی و اجتماعی جامعه اسلامی را زیر پا گذاشته باید دارای مسؤولیت کیفری باشد تا نسبت به عمل مجرمانه او پاسخ مناسب داده شود. از این‌رو، اسلام دوگونه نظام پاسخ به جرم ارایه کرده‌است که همان نظام مجازات‌های معین؛ یعنی حدود و قصاص و مجازات‌های غیرمعین؛ یعنی مجازات‌های تعزیری است که تعیین نوع و میزان آن در اختیار حاکم اسلامی قرار داده شده‌است.

مجازات‌های معین (حدود و قصاص)، در فقه اسلامی موارد معین و مشخصی دارد مانند رجم در زنا، محصنه، که اگر به عفت و حرمت خانواده، تجاوز شود مجازات، متجاوز در چنین جرایم، که شامل زنا، محصنه، زنا با محارم، تجاوز به عفت، زنا، غیرمسلمان با زن مسلمان، لواط و محاربه می‌شود، مرگ است؛ زیرا در جرم زنا، به عفت و ناموس انسان تجاوز شده و مرتکب، کرامت انسانی و حرمت قانون زناشویی را نقض کرده است. اسلام برای حفظ کرامت و حمایت از پاکی نسل بشر، در زنا، محصنه مجازات سنگ‌سار، اما در زنا با محارم، محارب و مرتد فطری قتل مرتکبان آنان را مقرر کرده است و مجازات‌های دیگر به جای آن‌ها قابل اجرا نیست.

بدون تردید حرمت موارد یاد شده و جعل کیفر، از دیدگاه اسلام، ناشی از رحمت الهی است؛ رحمت اقتضا دارد که هر چیزی که مصلحت بشر را تأمین کند واجب شمرده شود و هر رفتاری که موجب مفسده است، حرام گردد. مثلاً در مورد زنا، می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید، که کاری بسیار زشت و راه بسیار ناپسند است. (اسراء/ ۳۷) این بیان، هدایت خداوند است یعنی بیان مصالح و مفاسد و ایجاد انگیزه برای دوری نمودن از این عمل زشت است. در مورد مجازات این عمل شنیع، قرآن می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید نباید شما در [اجرایی] دین خدا در باره آن دو نفر مهربانی و دل‌سوزی کنید و باید گروه از مؤمنان شاهد مجازات آن دو نفر باشند. (نور/ ۲) تعیین حد برای ارتکاب این گناه کبیره به سبب آن است که این عمل قبیح در سقوط جامعه نقش فوق‌العاده دارد. از این رو، تنها به بیان مفسده‌ی آن اکتفا نکرده است. بلکه مجازات سختی برای مرتکب آن، مقرر کرده است.

بنابراین، مجازات در اسلام، عبارت از رساندن رحمت به انسان‌ها است. اگر چه در اجرای مجازات، رنج و عذاب است که به مجرم می‌رسد. اما در نهایت به مصلحت او و

جامعه است. به این دلیل، اجرای مجازات حدی در راستای حفظ کرامت انسانی است و در منابع اسلامی به حکمت اجرای حدود، اشاره شده که اقامه حد و اجرای عدالت را برتر از نزول چهل شبانه روز باران بر زمین و موجب احیای زمین دانسته است که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

در روایتی از رسول‌الله (ص) نقل شده است که حضرت فرمود: «والإقامة الحد في الأرض انفع من المطر اربعين صباحا»؛ منفعت اقامه حد، بهتر از باریدن چهل روز باران است. « (کلینی، ۱۴۰۷: ۷، ۱۷۴) روایتی از امام کاظم (ع) ذیل تفسیر آیه مبارکه‌ای «يحيى الأرض بعد موتها» نقل شده حضرت فرمود: «ليس يحييها بالقطره و لكن يبعث الله رجلا فيحيون العدل فتحي الأرض لإحياء العدل و اقامه الحد فيه انفع من القطره اربعين صباحا»؛ زنده کردن زمین با باریدن باران نیست، بلکه خداوند مردانی را بر می‌انگیزد تا عدالت را احیا کند، آنگاه زمین با احیای عدالت زنده می‌شود و اقامه حد در زمین، سودمندتر است از چهل روز باران.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۸)

در روایت دیگر از امام باقر (ع) می‌خوانیم: حدی که در زمین اجرا شود، پربار تر و پاک کننده تر است از چهل شبانه روز باریدن باران. (همان)

از روایات فوق استفاده می‌شود که اجرای حدود الهی، دارای اهمیت فوق‌العاده است. هرچند برخی مجازات‌های حدی، منجر به سلب حیات مجرم شود؛ زیرا تشریح چنین مجازات، رحمت برای جامعه است و جنبه بازدارندگی از جرایم دیگر دارد. برخی جرایم به گونه‌ای است که حیات اجتماعی بشر و بنیان خانواده را که به عنوان اصلی‌ترین نماد اجتماعی است تهدید می‌کند. لذا باید به شدت از آن پیش‌گیری شود. و اجرای حدود در همین راستا قرار دارد.

مجازات‌های غیرمعین که از آن‌ها به عنوان تعزیرات یاد می‌شود، به گونه‌ای هستند که حکومت اسلامی می‌تواند با توجه به شرایط خاص زمان و مکان، آن‌ها را تغییر دهد و کم یا زیاد کنند؛ مانند این که حبس یا جریمه نقدی را جایگزین مجازات شلاق کند یا به قاضی اختیار دهد که یکی از چند مجازات را به تناسب شرایط خاص مجرم یا وقوع جرم یا مجنی‌علیه به مورد اجرا گذارد بنابراین، «منظور از غیرمعین بودن مجازات‌های

تعزیری این نیست، که این مجازات‌ها، نامعلومند و قاضی به اختیار خود می‌تواند هر مجازاتی را بدون این‌که از قبل تعیین و اعلام شده باشد اجرا کند.» (قیاسی و دیگران، پیشین: ۱۲۵) بلکه «اصطلاح تعزیر، مختص شرع است که حاکم اسلامی انواع و اقسام آن را از سبک‌ترین مجازات‌ها هم‌چون وعظ، توبیخ، تذکر، ارشاد و تهدید، تا حبس، جزای نقدی، شلاق، مصادره اموال و نظایر آن قرار داده است.» (ایمانی، ۱۳۸۶: ۱۵۹)

کیفر و مجازات در اسلام برای حفظ و حراست جامعه از علل و موجبات گناه و جرم و جلوگیری از رفتارهای ضد اخلاق حسنه، عفت، نظم عمومی و روابط صحیح خانوادگی است. یکی از اهداف مهم وضع کیفر و مجازات بازداشتن انسان‌ها از ارتکاب جرم است. از این‌رو، مجازات‌های نسبتاً شدیدی را در مجازات‌های معین، مقرر داشته است تا این هدف را در حد امکان تأمین کند و به دنبال آن به اهدافی مانند اجرای عدالت، اصلاح مجرم و جلوگیری از طغیان احساسات انتقام‌جویانه، توجه کرده‌است. مجازات‌های غیرمعین (مجازات‌های تعزیری)، کیفر و مجازات‌های هستند که اختیار آن، از سوی شارع مقدس به حاکم شرع واگذار گردیده است که با توجه به شرایط زمانی، مکانی، شرایط مجرم و قدرت بدنی او، کیفر و مجازات متناسب را با توجه به معیارها و موازین شرعی وضع و اجرا می‌نماید.

د. کیفر شناسی و علم اداره زندان

علم اداره زندان در خصوص مسایل مربوط به چگونگی اجرای مجازات، روش‌های اصلاحی، تربیتی، درمانی و تطبیق آن با شخصیت بزهکاران، تشکیلات زندان‌ها و شیوه‌های که رعایت آن‌ها مستلزم بهبود وضع بزهکاران و آماده ساختن آنان برای بازگشت به جامعه بحث می‌کند. (قیاسی و دیگران، پیشین: ۱۵۹)

علم اداره زندان‌ها پس از انقلاب کبیر فرانسه به وجود آمده است که درباره مجازات‌ها در محیط بسته زندان‌ها و چگونگی اداره زندان‌ها بحث می‌کرده است؛ جایگاه مجازات زندان هم در کیفرشناسی و جرم‌شناسی بالینی، هم در حقوق جزا و هم از منظر کیفرشناسی و چگونگی مجازات قابل بررسی و تأمل است. «تولد علم اداره زندان‌ها

مصادف بود با تولد جرم‌شناسی و به‌ویژه یکی از جنبه‌های آن یعنی جرم‌شناسی کاربردی. در جرم‌شناسی این بحث مطرح شد که هدف از مجازات اصلاح مجرم است» (noormags.ir) و در درجه بعدی جلوگیری از ارتکاب جرم ارباب و زجردهی است.

یکی از دانشمندان حقوق می‌نویسد: «از دیرباز در اجرای مجازات‌ها ترهیب و اخافه بزهکاران مانعی برای ابراز تمایل به ارتکاب جرم تصور می‌شد. برانگیختن رعب، چه در اذهان افرادی که امکان داشت در آینده در دام بزهکاری بیفتند و چه در نهاد بزهکار برای جلوگیری از لغزش دوباره او، مستلزم این امر بود که نمایش اجرای مجازات در جو آکنده از خوف و وحشت برگزار شود و افراد در صحنه‌ای مجازات حضور یابند تا دیدن مصایب و رنج مجازات مایه عبرت آن‌ها گردد، و لی احساس ترس را امروزه با حتمی جلوه دادن مجازات و با سرعت بخشیدن به اجرای آن بیش از برپا کردن نمایش‌های مخوف، ولی زودگذر در اذهان مردم برانگیخت.» (اردبیلی، پیشین، ۳۹)

پیشینه‌ای مطالعه کیفر و دغدغه توجیه، تبیین و تلاش برای کارآمد کردن آن به مطالعات مربوط به مجازات زندان بر می‌گردد. شارل کارل لوکا نویسنده فرانسوی از «علم زندان‌ها» یا «علم اداره زندان» به‌عنوان دانشی که در جست‌وجوی روش‌های اصلاح زندان و زندانیان است یاد می‌کند. (صدقی، ۱۹۸۶: ۳) البته «این رویکرد در میان برخی از نویسندگان متقدم ایرانی در عرصه مطالعات مربوط به پاسخ به جرایم و مجرمان نیز رواج داشته است؛ به نحوی که مطالعه زندان و زندانیان، قلمرو اصلی کیفر شناختی آن‌ها را به خود اختصاص داده بود.» (غلامی، پیشین، ۳۵)

در مورد علم اداره زندان‌ها می‌توان گفت: این علم اجرای مجازات‌ها را بررسی می‌کند که قانون آن را تعیین کرده‌است چنان‌که اشاره گردید هدف از اجرای مجازات اصلاح مجرم و ایجاد رعب و وحشت هم برای مجرم و هم برای دیگران برای پیش‌گیری از تکرار مجدد توسط مجرم و ارتکاب جرم توسط مجرمان بالقوه، است از طرفی که علم اداره زندان‌ها قبل از هرچیز مجازات را به‌عنوان یک وسیله مبارزه علیه تکرار بزه تصور می‌کند، نمی‌تواند از علل بزهکاری دوری گزیند، لذا با جرم‌شناسی هماهنگ می‌شود؛

زیرا در جرم‌شناسی علل بزه و بزهکاری بررسی و ارزیابی می‌شود. «با وجود این امروزه دانش کیفرشناسی یا علم اداره زندان‌ها با جرم‌شناسی مشخص است گرچه این تشخیص و تفکیک همیشه کاملاً و روشن نیست، ولی حداقل تا اندازه وضوح دارد که انسان بتواند دست کم از نقطه فکری قلمرو آن دو را از هم جدا کند.» (طوسی، ۱۳۵۱: ۷۹، ۹۵)

برای تحقق اهداف مورد نظر، چنان‌که اشاره گردید و به‌منظور اجرای اصلاح و تربیت در زندان‌ها، سیاست‌گذاران بر آن شدند تا زندان را به حسب اهمیت جرم و شخصیت مجرم به طبقات مختلف تقسیم کنند؛ از قبیل جنحه‌ای، جنایی، مجرد، با اعمال شاقه، انفرادی، دسته جمعی، پایان هفته‌ای، بسته، باز و نیمه باز (آیین‌نامه قانونی، ۱۳۷۲) «اما این - که علم اداره زندان توانسته است به اهداف خود، نایل آید یا خیر؟ و آیا از عیوب زندان چیزی کاسته است یا نه، جداً محل تردید است» (عوده، ۱۹۹۳: ۱، ۷۲۳) اما تجربه ثابت کرده که حبس نیز نه تنها موجب اصلاح بزهکاران و کاهش ارتکاب جرم نشده، بلکه پیوسته آمار جرایم افزایش یافته است و مرتکبان عمدتاً کسانی بوده‌اند که حداقل یک‌بار به زندان رفته‌اند. به همین دلیل دانشمندان پیشنهاد کردند برنامه اصلاح و تربیت در تمام زندان‌ها به اجرا در آید و در نتیجه بحث علمی کردن اداره زندان به‌طور جدی مطرح شد. (قیاسی و دیگران، پیشین: ۱۶۷)

ز. زندان در اسلام

۱. مشروعیت زندان

زندان که امروزه به‌عنوان کیفر، برای بزهکاران در تمام نظام‌های حقوقی، جایگاهی دارد، آیا از نظر نظام حقوقی اسلام، به‌عنوان مجازات و کیفر مجرمان، مشروع است؟ در صدر اسلام با توجه به وضعیت و محدودیت مسلمانان، زندان به‌عنوان مجازات مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؟ برای پاسخ به پرسش‌های فوق لازم است به آیات قرآن، احادیث و سیره معصومان^(ع) مراجعه کرد و با استفاده از آیات و روایات به دو پرسش فوق پاسخ داد.

قرآن کریم می‌فرماید: «زنان مسلمانی که به عمل زشت زنا یا هم‌جنس‌بازی آلوده می‌شوند، برای شهادت دادند بر ضدشان چهار مرد مسلمان را به دادگاه دعوت کنید؛ اگر آن

چهار نفر شهادت دادند، آن زن‌ها را آن‌قدر در حبس خانگی نگه‌دارید تا مرگ سراغ شان بیاید یا این‌که خدا در زمان مناسب، مجازات دیگری برای شان تعیین کند». (نساء/ ۱۵) یا «... و در وقت شهادت دادن، اگر در راست‌گویی شان شک کردید، بعد از نماز جماعت آن دو نفر را حبس کنید تا به خدا قسم یاد کنند...» (مائده/ ۱۰۶) در این دو آیه؛ حبس را به‌عنوان کیفر بیان کرده است که دلالت بر مشروعیت زندان در نظام حقوق کیفری اسلام دارد. هم‌چنین براساس روایات و سیره رسول‌الله و جانشینان آن حضرت و نیز اجماع فقیهان شیعه و سنی، زندانی کردن مجرم جایز است، اما این‌که موارد زندان محدود به موارد منصوص است یا عمومیت دارد محل اختلاف است؛ بسیاری از فقیهان، آن را به‌عنوان تعزیر در اختیار حکومت اسلامی دانسته و قایل به تعمیم‌اند، اما بعضی از فقیهان با آن‌که تصریح کرده‌اند که اصل در مجازات تعزیری تازیانه است و زندان خلاف اصل و محدود به موارد منصوص است، لکن به‌صورت قاعده کلی گفته‌اند: «هرگاه اصلاح مجرم یا بازداشتن او از ارتکاب جرم متوقف بر حبس باشد باید او را حبس نمود» (گلیایگانی، ۱۴۰۴: ۵۱-۵۲)

۲. تاریخ تأسیس زندان در اسلام

در مورد تاریخ تأسیس زندان در اسلام میان سیره‌نویسان و عالمان مسلمان وحدت نظر وجود ندارد؛ برخی آن را به زمان پیامبر^(ص) مربوط می‌دانند، دسته‌ای به زمان خلیفه دوم و گروهی به زمان امیر مومنان علی^(ع) هریک از سه نظر در جای خود درست است، لکن اختلاف در چگونگی آن است. یعنی «گاهی سخن در حبس است و گاهی در محبس؛ در مورد اصل حبس، حکم آن علاوه بر آن‌که در آیات قرآن آمده است. (نساء/ ۱۵ و مائده/ ۱۰۶) در سیره رسول خدا^(ص) نیز نقل و در مواردی اجرا شده است، اما در مورد محبس و زندان، در زمان پیامبر^(ص) هرچند مکان مستقلی برای این منظور پیش بینی نشده بود، لکن در هر صورت مجرمان یا متهمان و احیاناً اسیران در مساجد و منازل افراد تحت نظر بوده و محصور می‌شده‌اند و حتی آن حضرت دستور می‌دادند جای زنان از مردان جدا باشد و زندانیان را در مکان متعارفی که همگان در آن زندگی می‌کنند نگه‌دارند تا احساس سختی نکنند» (طیسی، ۱۳۷۴: ۴۹۸) در زمان خلیفه دوم منزل مسکونی

صفوان ابن امیه را خرید و تبدیل به زندان شد. در زمان امام علی^(ع) ابتدا به وسیله نی، زندان مستقلی تأسیس کرد و آن را به عنوان «نافع» نام نهاد، اما چون یکی از زندانیان آن را سوراخ کرد و فرار نمود با خشت و گل زندان دیگری ساخت و آن را «مخیس» نامید» (همان، ۴۹۹)

بدین ترتیب اصل زندان و زندانی از صدر اسلام وجود داشته، لکن به تدریج که قلمرو اسلام گسترش می‌یافت و وضعیت جدیدی پیش می‌آمد در وضعیت زندان نیز دگرگونی ایجاد می‌شد. بنابراین، «اولین مکانی که به‌طور اختصاصی و با عنوان زندان تأسیس شده مربوط به زمان امیر مومنان امام علی^(ع) است» (منتظری، ۱۴۰۸: ۶/۲)

۳. اهداف زندان در اسلام

تحقیق در مورد حبس اثبات می‌کند که «حبس، یکی از ابزارهای حکومت اسلامی برای اجرای قانون است؛ خواه در مسایل خانوادگی باشد یا حقوق مالی یا امور جنایی یا تحقیقات در مورد متهمان. چنان‌که برای اصلاح مجرم و وادار کردن او به اجرای تکالیف شرعی و اجتماعی نیز ممکن است از زندان بهره گرفته شود» (همان، ۴۳۹) یکی از فقیهان معاصر با آن‌که مخالف زندان به غیر موارد منصوص است، در مورد بهره‌گیری از زندان به‌گونه‌ای استدلال می‌کند که حکومت اسلامی برای اصلاح مجرمان در موارد متعددی می‌تواند از مجازات زندان استفاده نماید: در هر مورد که بازداشتن مرتکب منکرات متوقف بر حبس یا نفی بلد باشد، او حبس خواهد شد تا از منکر باز گردد و یا به انجام کارهای نیک پردازد و توبه کند... و این راهی است که به کمک آن فقیه جامع شرایط خواهد توانست اکثر زمینه‌های فساد را از بین ببرد. (گلیپاگانی، پیشین، ۵۲)

زندان در اسلام به‌لحاظ ویژگی‌ها و اهداف، ماهیت چندگانه دارد: در برخی موارد ماهیت حدی دارد. در مواردی ماهیت تعزیری دارد و در موارد دیگر، اساساً ماهیت کیفری ندارد بلکه صرفاً جنبه‌ی احتیاطی و تأمینی دارد. مثلاً «سپاه امام علی^(ع) به فرماندهی کمیل بن زیاد حرکت کردند، کمیل به برخی از عابران رسید دستور داد آنان را موقتاً بازداشت کنند تا خبر حرکت سپاه امام به دشمن نرسد.» (بلاذری، [بی‌تا]: ۲، ۶۷۴) یا

شخصی که متهم به قتل است برای تحقیقات بازداشت می‌شود این حبس (بازداشت) نه جنبه حدی دارد و نه تعزیری. (منتظری، پیشین، ۴۴۳)

نتیجه

در روند تحقیق و پژوهش در موضوع کیفرشناسی، با تأکید بر کیفر زندان در نظام حقوق کیفری اسلام، به نتایج ذیل دست یافتیم.

۱. کیفرشناسی به‌طور کلی و علم اداره زندان‌ها به‌طور خاص با جرم‌شناسی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارند؛ زیرا کیفرشناسی علمی است که به مطالعه انواع پاسخ به جرم می‌پردازد.

۲. اهمیت کیفرشناسی بدان جهت است که با رویکرد علمی، مجازات‌ها را نقد و ارزیابی کرده، از میان کیفرها؛ کیفری موثرتر، کارآمدتر و کیفرهای که متناسب با شأن و منزلت انسانی باشد به کار گرفته شود.

۳. کیفرشناسی عهده‌دار تبیین و توجیه کیفر و پاسخ به بزهکار و بزهکاری است. از سوی دیگر، انواع کیفر و کیفیت اجرای پاسخ‌های کیفری و مجازات‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد.

۴. علم اداره‌ی زندان به چگونگی اجرای مجازات‌ها و در جست‌وجوی روش‌های اصلاح زندان و زندانیان است. جواز و مشروعیت زندان در اسلام از آیات قرآن و بر اساس روایات و سیره رسول‌الله و جانشینان آن حضرت و نیز اجماع فقهای شیعه و سنی، به دست می‌آید که حبس کردن مجرم در زمان پیامبر خاتم (ص) و خلفای پس از آن حضرت، وجود داشته است و هدف از آن، اصلاح مجرم و وادار کردن او به اجرای تکالیف شرعی و اجتماعی بوده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نامه‌هستی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۲. اردبیلی محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۴.
۳. آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۷۲.
۴. بلاذری احمدبن یحیی، انساب‌الاشراف، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات. [بی‌تا].
۵. حرعاملی محمد بن حسن، وسائل‌الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۶. دوران‌ت ویل و دوران‌ت آریل، تاریخ تمدن، مترجمان حمید عنایت، پرویز داریوش و علی اصغر سروش، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
۷. صافی گلپایگانی لطف‌الله، التعزیر انواعه و ملحقاته، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۸. صدقی عبدالرحیم، علم العقاب، قاهره، دارالمعارف، الطبعة الاولى، ۱۹۸۶م.
۹. طبسی نجم‌الدین، السجن فی النصوص و الفتاوی، [بی‌جا]، مکتبه‌الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۴.
۱۰. عوده عبدالقادر، التشریح الجنایی فی الاسلام، بیروت، الرساله، الطبعة الثانی، ۱۹۹۳م.
۱۱. غلامی، حسین، کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۹.
۱۲. فوکو، میشل، مراقبه، تنبیه و تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
۱۳. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲.
۱۴. قضایی طوسی، کیفرشناسی و علم اداره زندان‌ها، ماهنامه قضایی، شماره ۷۹، ۱۳۵۱.
۱۵. قیاسی، جلال‌الدین و هم‌کاران، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۱.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. مارتینز رنه، تاریخ حقوق کیفری در اروپا، ترجمه محمدرضا گودرزی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، [بی‌تا].
۱۸. محسنی، مرتضی، کلیات حقوق جزا، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۱۹. _____، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم، ۱۳۹۶.

۲۰. منتظری حسین علی، ولایت الفقیه، قم، مرکز العالمی لدراسات الاسلامی، ۱۴۰۸ق.

سایت‌ها

1. noormags.ir
2. <https://fa.wikipedia.org>